

The Explanations of Poems of Saeb in literary criticism

M. Hosseinkarami^{*}

M. Taheri^{}**

Abstract

Book Review, which is a form of literary criticism that evaluates a book based on the content, methodology, and goodness and badness of it. Usually, book reviews are according to the critic's opinion. In most cases, a review is based on the critical analysis of critics. The critics may consider the effects of different factors such as the reputation and credibility of the author, thematic analysis of writing, text, method of processing, reliability and value of the references, approaches, and methods of writing chapters, validity and invalidity of meanings, universality of the text and so on. The authors of this paper have criticized and analyzed the books that have explained Saeb's poetries. Because of the efforts of poets in the Indian style, that Saeb is the best representative of it, for finding new ideas and different contents and crating relationships between tangible and intangible phenomena, this style is a complex one. Hence, his poetry needs to be analyzed and explained accurately. For this need, several authors have written some books and have tried to analyze and explain his poetries. In this paper, we have analyzed and criticized these books regarding the validity of authors' thematic analysis of writing, text, method of processing, reliability and value of the references, approaches, methods of writing chapters, validity and invalidity of meanings, universality of the text and so on.

KeyWord

Book Reviews;Poetry; Saeb; Explanation

* Professor, University of Shiraz

** PhD Candidate, University of Shiraz

گزیده‌ها و شرح‌های اشعار صائب در ترازوی نقد ادبی

محمدحسین کرمی^۱ - مرضیه طاهری^۲

چکیده

نقد کتاب، نوعی نقد ادبی است که آثار را بر اساس محتوا، روش کار و نیک و بدی‌های آن و همچنین طبق نظر، مهارت و قدرت تحلیل منتقد ارزیابی می‌کند. منتقد، عوامل مختلفی را برای تحلیل اثر در نظر می‌گیرد که از آن جمله است: موقعیت و اعتبار نویسنده کتاب، تحلیل موضوعی اثر، سطح نگارش، شیوه پردازش متن، درستی و نادرستی معانی، اعتبار و ارزش استنادها، رویکردها، روش فصل‌بندی، جامع‌نگری متن، اعتبار و برخی عوامل دیگر. صائب، نماینده سبک هندی است. مفاهیم در این سبک به سبب تلاش شاعران در یافتن معنی بیگانه و دیرپاب، مضمون‌های متفاوت و متنوع و برقراری ارتباط‌های ظریف میان محسوسات و غیر محسوسات، بسیار مبهم و پیچیده هستند. از این رو، اشعار در این سبک به شرح و بررسی دقیق نیازمند است و شرح آنها بسیار ضروری است. چند نویسنده به سبب این ضرورت، برخی از غزلیات صائب را شرح کرده‌اند. هدف این پژوهش، شناخت منسجم‌ترین و بهترین گزیده غزلیات صائب و همچنین معرفی کاستی‌ها و معایب هر یک از آنهاست. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و در آن شرح‌های موجود از نظر اعتبار و شخصیت نویسندگان، مقدمه‌ها و فهرست‌ها، شیوه پردازش، استنادها، شیوه نگارش، فواید و نقصان آن و درستی و نادرستی معانی، نقد و بررسی شده است؛ در نتیجه، مشخص شد اگرچه هنوز، نگارش شرح‌های گسترده‌تر و دقیق‌تر کاملاً ضروری و لازم به نظر می‌رسد، هر یک از شرح‌های موجود به گونه‌ای در رفع دشواری‌های شعر صائب مفید و مناسب است. از نظر محتوایی و دقت در بیان نکات خاص و مهم شعر صائب، شرح معدن‌کن، قهرمان و کریمی از بهترین شرح‌ها هستند؛ اما با وجود برخی کاستی‌های این شروح، می‌توان گفت در صورت تفصیل بیشتر بر کیفیت آنها نیز افزوده خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

نقد کتاب، شعر، صائب، شرح.

^۱؛ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران mhkarami@rose.shirazu.ac.ir
^۲؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران fars1361@yahoo.com

۱- مقدمه

نویسندگان معتبر خارجی و داخلی، کتاب‌های بسیاری در زمینه نقد ادبی نوشته‌اند و همین موضوع، جایگاه و اهمیت نقد را برای همه آشکار کرده است. منتقدان با بیان علل تمایز یک اثر و گاهی ذکر معایب آن، معیارهای مناسبی به مخاطب ارائه می‌دهند تا از طریق آن، ارزش آثار برتر، دریافته و ضعف و سستی آثار کم‌ارزش نیز مشخص شود. در سایه نقد، مخاطب می‌تواند میان آثار برتر و ضعیف‌تر تمایز بگذارد. نقد همچنین به کتاب‌ها و آثاری نقدشونده، ارزش دوباره‌ای می‌بخشد. برخی از منتقدان معاصر، مانند رولان بارت، نقد را هم‌شأن اثر ادبی دانسته‌اند. این سخن، ارزش و اهمیت نقد ادبی آثار را آشکار می‌کند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۶).

فرای بر آن است که منتقد ادبی باید ادبیات را مطالعه کند و از آن به بررسی استقرایی دست یابد. سپس اصول انتقادی خود را بر اساس شناخت از آن شکل دهد (ر.ک: فرای، ۱۳۷۷: ۱۹). در این مقاله نیز پس از مطالعه شرح‌های اشعار صائب، این کتاب‌ها با توجه به مطالب درون آنها و نکات لازم و ضروری، نقد و بررسی می‌شوند. ضرورت شرح اشعار صائب و همچنین اشعار شاعران دیگر سبک هندی بر مخاطبان ادب فارسی آشکار است. سبک هندی، تداعی‌کننده باریک‌خیالی، موشکافی، دقت در مضامین روزمره، جستجوی مضامین و معانی تازه و بیگانه است. این موضوع، مخاطب را در دریافت معنی منظور شاعر به سختی می‌اندازد.

«گویندگان سبک هندی می‌خواهند مضمون تازه‌ای بیاورند یا تخیل بسیار دقیق و ظریفی را در قالب لفظ بریزند و چون گنجایش الفاظ محدود است به استعاره رو می‌آورند. همه اینها کار را دشوار می‌کند و دیگر فرصتی برای جستجوی کلمات مناسب و مجالی برای دقت در جمله‌بندی برایشان باقی نمی‌گذارد» (دشتی، ۱۳۵۵: ۶۶). این مطلب، دلیل دیگر دشواری ابیات در سبک هندی است.

شعر سبک هندی، سرشار از تمثیل است و شاعران برای بیان ملموس‌تر و عینی‌تر سخن خود از تمثیل بهره می‌جویند. صائب نیز در زمینه تمثیل، ممتاز است؛ چنان که بسیاری از منتقدان، مانند شبلی نعمانی و ذبیح‌الله صفا بزرگ‌ترین هنر او را در تمثیل‌پردازی دانسته‌اند و معتقدند که معجزه و هنر واقعی صائب را باید در تمثیل جستجو کرد؛ زیرا قدرت قریحه صائب به تمثیل، کیفیت خاصی داده است (شبلی نعمانی، ۱۳۱۴: ۱۳۱)؛ (صفا، ۱۳۶۳: ج ۳، ۱۱۱). به همین سبب برای رفع دشواری‌های شعر صائب، باید در درک و دریافت تمثیل‌ها، دقت و توجه زیادی داشت؛ به طوری که می‌توان گفت «دریافتن رابطه میان مصرع اول و دوم یا بیت تمثیل و بیت دیگر، لازمه رسیدن به بهترین معنی شعر صائب است» (معدن‌کن، ۱۳۸۷: ۲۳).

دلیل دیگر دشواری رفع ابهام در این اشعار، «گسیختگی معانی و پریشانی اندیشه‌های سراینده‌گان آن است که هر بیتی از عالمی ویژه خویش سخن می‌گوید و حتی گاهی معانی متضاد با یکدیگر در کنار هم قرار می‌گیرند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۱۱). شاعران و منتقدان آن عصر مضامین غریب را می‌پسندند و این دلیل دیگر پیچیدگی و ابهام شعر سبک هندی و صائب است. در دوره صفوی، سادگی از عیوب اصلی کلام بود؛ در نتیجه شعر ساده، روان و خالی از کنایه، استعاره‌های بعید، مضامین غریب و خیال‌بافی‌های عجیب، مطلوب نبود و سخن پیچیده‌تر و دقیق‌تر، شیرین‌تر و مقبول‌تر بود. در مجموع، پایه‌های شعر سبک هندی بر ویژگی غریب‌پسندی استوار شده است (کریمی، ۱۳۶۹: ۲۳) و پیچیدگی شعر، ویژگی برجسته و مهم شعر دوره صفویه است. شعر باید به گونه‌ای باشد که به‌آسانی و با یکی دو بار خواندن، مقصود آن دریافت نشود و اگر چنین نباشد آن شعر به طرز قدما سروده شده است و شاعر آن گداشاعر است (فتوحی، ۱۳۷۹: ۳۳).

صائب از بزرگ‌ترین شاعران سبک هندی است و بیشتر ادبا و منتقدان از قدیم و جدید، «تازگی خیال و دقت فکر و وسعت نظر» او را تأیید کرده‌اند؛ به طوری که کسانی مانند زین‌العابدین مؤتمن معتقد است که هیچ‌یک از شاعران ایران از نظر ساختن مضامین غریب و آوردن معانی بدیع و بیان نکات ظریف به مرتبه او نمی‌رسد. استعداد شگفت‌انگیز و نبوغ و عظمت او را می‌توان از هزاران مضمون بکرش دریافت (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۶۷). از قدما نیز کسانی مانند نصرآبادی و بسیاری افراد دیگر در تذکره‌ها و متون خود، صائب را به سبب فصاحت شعر، یافتن معانی باریک و دقیق و نازک‌خیالی ستوده‌اند (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۲۱۸-۲۱۷). ادوارد براون نیز او را از بزرگ‌ترین شاعران قرن یازدهم می‌داند و می‌گوید: «به نظرم تنها کسی است که در این کتاب (تاریخ ادبیات)، لایق شرح مفصل است» (براون، ۱۳۶۹: ج ۴، ۱۸۹).

دقت و کنجکاوی صائب در همه امور، حالات انسانی و تضادها و تناقض‌های موجود در آنها، همچنین استغراق در تفکر و اندیشه‌های دقیق و تازه، موجب گریزانی او از معانی بدیهی و پیش‌پا افتاده و روی آوردن به لطیف‌ترین افکار و زیباترین مضمون‌ها شده است (امیری فیروزکوهی، ۱۳۷۱: ۵). این اشتیاق برای یافتن معنی غریب و جست‌وجوی مضمون بیگانه، شعر او و شاعران دیگر سبک هندی را پیچیده کرده است؛ به طوری که مخاطب ادیب، تنها با مراجعه به ابیات مشابه و معنی لغات و ترکیبات رسمی یا محاوره‌ای و گاهی با مشاهده شروح می‌تواند معنی آن ابیات را دریابد. البته چون مخاطب می‌کوشد تا از نکته‌ها و تعبیرهای سخت به عمق مطلب برسد و از ورای پیچیدگی و تعقید سخن به منظور شاعر دست یابد، دوچندان نیز لذت می‌برد. در حقیقت، دلیل اصلی ایجاد لذت در مخاطب، ابهام و ایجاز است؛ زیرا او با گره‌گشایی از معنای شعر، علاوه بر احساس رضایت و خشنودی، ارتباط بهتری نیز با متن برقرار می‌کند. با وجود این لازم است که ابزارهایی در اختیار مخاطب قرار گیرد تا برای یافتن معنای بهتر اشعار از آنها یاری جوید. از این رو، شرح غزلیات صائب برای مخاطبان شعر و دانشجویان ادبیات فارسی، ضروری است تا از طریق آن به عمق سخن شاعر پی ببرند و درک درست‌تری از شعر سبک هندی داشته باشند.

متأسفانه به دلایل مختلفی مثل حجم فراوان اشعار صائب تا کنون شرح کامل و جامعی از اشعار او تهیه نشده است. فقط گلچین معانی یک فرهنگ دو جلدی نوشته است که برخی مشکلات را حل می‌کند. شرح‌های اشعار صائب، هر کدام امتیازها و نقصان‌هایی دارند. هر یک از آنها، پنجاه، صد یا دویست غزل را شرح و بررسی کرده‌اند که با توجه به چند هزار غزل صائب، بسیار ناچیز است. اما در این شروح، ابیات با توجه به تلمیحات، معنی لغات و ترکیبات، واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی و آرایه‌های ادبی شرح شده‌اند و به همین سبب این شروح توانسته است در رفع ابهام از شعر صائب، مؤثر و مفید باشد.

گزینش شرح‌ها در این مقاله به ترتیب زمان نگارش انجام شده است. این آثار عبارت از این موارد است: ۱- دویست و یک غزل صائب از امیربانو کریمی (۱۳۶۸).

۲- گزیده اشعار صائب تبریزی از جعفر شعار و زین‌العابدین مؤتمن (۱۳۷۰).

۳- مجموعه رنگین گل از محمد قهرمان (۱۳۷۱).

۴- شعله آواز از اصغر برزی (۱۳۸۴).

۵- نقش پای غزالان از معصومه معدن‌کن (۱۳۸۷).

۱-۱ پیشینه پژوهش: پیش از این تحقیق، مقالاتی در زمینه نقد شرح در زبان فارسی انجام شده است که از آن جمله است: «آسیب‌شناسی ساختار شرح‌نویسی در حوزه فهم ادبی» از مهیار علوی مقدم (۱۳۸۹) در مجله فنون ادبی، «مقایسه

و تطبیق چهار شرح از مثنوی» از علی‌اکبر احمدی دارانی و مرتضی رشیدی آشجردی (۱۳۸۹) در مجله متن‌شناسی ادب فارسی و «نقد و بررسی کتاب شرح دیوان حکیم ناصرخسرو قبادیانی» از ناصر نیکویخت در پژوهشنامه متون و برنامه‌های علوم انسانی (۱۳۸۵).

۲- دویست و یک غزل صائب از امیربانو کریمی (۱۳۶۸)

۱-۲ اعتبار و شخصیت علمی پدیدآورنده

امیربانو کریمی نخستین فرزند کریم امیری فیروزکوهی است. او با پایان تحصیلات متوسطه، کار تدریس را آغاز کرد و تحصیلات خود را نیز تا مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه داد. سپس در همان دانشگاه به تدریس ادبیات مشغول شد. امیربانو کریمی در زمینه سبک هندی و صائب‌شناسی، متخصص است و در چهارمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۳، چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی شد.

۲-۲ فهرست و مقدمه کتاب

متأسفانه فهرستی برای این کتاب تهیه نشده است. بهتر بود که نویسنده در آغاز کتاب، بخشی را به این مطلب اختصاص می‌داد. او در پیشگفتار از پدر خویش یاد می‌کند و می‌گوید این کتاب را به یاد دوران همراهی با پدر و تلاش‌های او برای رونق‌بخشیدن به شعر صائب و سبک هندی نوشته است؛ آن هم در زمانی که استادان ادبیات نیز به سبک هندی بی‌توجه بودند: «در دوره‌ای که صائب و شعر او در دانشگاه راه نداشت و اساتید ادب آن زمان با تسلیم به حکم ظالمانه و مغرضانه آذربیکدلی و پیروان او، نه تنها شخص صائب و شعر او، بلکه ادبیات دو قرن مملکت را شایسته توجه و تحقیق نمی‌دانستند» (کریمی، ۱۳۶۹: ۵).

همان طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، شارح دویست و یک غزل را از صائب، انتخاب و شرح کرده است. این شرح، مقدمه گویا و رسایی دارد و در آن با نگاه دقیق و موشکافانه، توضیحاتی درباره شعر صائب ارائه شده است که نمایانگر تخصص و تعمق نویسنده در این زمینه است. مقدمه بسیار مختصر اما مفید این اثر دربردارنده شرح حال، آثار، خلق و خو، وضع زمان، شیوه بیان و محتوای اشعار صائب و نظر معاصران درباره او است. نویسنده در این کتاب با دقت در عمق و نه در سطح، مطالب را بیان می‌کند.

مقدمه کتاب در مجموع، سی صفحه است. هر بخش آن، صفحات کوتاهی را دربرمی‌گیرد که حدود یک تا سه صفحه است و مطالب به صورت موجز و مفید بیان می‌شود. نویسنده، مقدمه را با شرح حال صائب شروع و در آن مطالب متنوعی را بیان می‌کند. نمونه آن زندگینامه کامل، تاریخ تولد، سفر حج، آستان‌بوسی حضرت رضا^(ع) و اطلاعات کلی درباره زندگی صائب است. سپس در بخش تحقیق در شیوه بیان، کلیاتی را از شیوه سخن صائب بیان می‌کند.

در مقدمه به یک نکته ضروری اشاره شده است و آن لزوم دراختیارداشتن دیوان کامل صائب، همراه با تصحیح انتقادی آن و استخراج همه لغات، ترکیبات، اصطلاحات و صور خیال آن است. نویسنده با استدلال، سعی می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که چرا صائب نماینده و بارزترین شاعر سبک هندی است. همچنین با بررسی تضاد در اشعار صائب، دلیل تضاد و عکس مضمون را در شعر او توضیح می‌دهد. در توضیح عرفان در شعر صائب به این نکته توجه دارد که عرفان او از نوع درسی و اصطلاحی نیست، بلکه عرفانی دربردارنده این موارد است: «نکته‌های فلسفی، انبساط و عبرت، نکته‌های اجتماعی، انتقادهای تند از دکانداران شریعت و طریقت و اخلاق» (امیربانوکریمی، ۱۳۶۹: ۲۷). او پایه و اساس

شعر صائب را معنی‌یابی می‌داند و به این مطلب توجه دارد که لزومی ندارد عشق و شیدایی سعدی و مولانا را در آن بیابیم؛ زیرا شعر صائب ارزش و مرتبه خاص خود را دارد (همان: ۲۷). او سستی شعر صائب را نادیده نگرفته است و علت آن را ورود لغات عامیانه به شعر او بیان می‌کند. گفتنی است که امیربانو کریمی، جانبداری و تعصب نسبت به اشعار صائب را کنار گذاشته است (همان: ۳۳).

پس از آن نویسنده، روش کار خود و منابع را شرح می‌دهد. سپس اشعار، معنی و شرح ابیات را ذکر می‌کند، اما مخاطب از نویسنده انتظار تفصیل بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به دانش و تخصص نویسنده در سبک هندی و شعر صائب، گزارش و شرح بیشتر ابیات همراه با ضرورت نیاز دانشجویان به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، بی‌تردید بر رونق کار می‌افزود.

۲-۳ شیوه نگارش

ضعف این کتاب، بی‌توجهی به رعایت نکات نگارشی در متن است. این اهمال، گاهی در نشانه‌گذاری مانند ویرگول، نقطه و ویرگول و گاهی در پیوند جمله‌های ناقص دیده می‌شود (ر.ک: همان: ۲۳ و ۲۴). این اشکال در نقل قول‌ها بیشتر است (ر.ک: همان: ۳۱). بی‌دقتی در گذاشتن خط فاصله برای جمله بدل (ر.ک: همان: ۱۴۲) و همچنین رعایت نکردن فاصله‌گذاری، مانند «مدرسایی و لاله بیداغ»، از کاستی‌های این شرح است (ر.ک: ۱۵۵، ۱۵۴). به طور کلی، این کتاب، شرحی به دور از حاشیه‌روی با جمله‌های رسا و تأثیرگذار است. همچنین بیان بلیغ، جمله‌های کوتاه، بدون تعقید و فشرده از مزایای نثر نویسنده است. برجسته‌سازی لغات و ترکیبات شرح‌شده در پانویس، استفاده از نشانه‌های اختصاری مانند «غ: غزل» و «ب: بیت» از محاسن دیگر این شرح است. از سوی دیگر، نویسنده در مقدمه به تصحیح و تصرف خویش در متن نیز اشاره کرده است (همان: ۳۷).

۲-۴ شیوه پردازش و جامع‌نگری متن

نویسنده در این اثر از چهار نسخه، دوپست و یک غزل صائب را انتخاب و شرح کرده است. پس از مقدمه، متن غزل‌ها با حذف برخی ابیات ذکر می‌شود. حذف بعضی از ابیات و همچنین شرح تعدادی از آنها از اشکالات این شرح است که خود نویسنده نیز به آن آگاه است، البته همه ابیات به شرح نیازمند نیست.

نویسنده، شرح ابیات را در پانویس می‌آورد و به این صورت دسترسی هم‌زمان مخاطب را به شعر و شرح، میسر می‌کند. همچنین غزلیاتی که صائب به استقبال از شاعران گذشته و معاصر (ر.ک: همان: ۱۶۸ و ۲۵) سروده است و ابیات مشابه شاعران متقدم صائب را مثل ناصر خسرو، حافظ، مولوی، کلیم و سعدی نیز ذکر می‌کند. علاوه بر این، ابیات مشابه شاعران دیگر مانند سعدی، حافظ و مولانا را در نظر قرار می‌دهد. گاهی به غیر از ذکر ابیات مشابه در ادامه یک بیت به شواهد عکس مضمون نیز اشاره می‌کند (ر.ک: همان: ۷۱)، اما متأسفانه، نشانی اشعار (مانند شماره صفحه و بیت) شاعرانی مثل ناصر خسرو، سنایی و سعدی را در پانویس ثبت نمی‌کند.

از ویژگی‌های مهم دیگر این شرح آن است که مباحثی درباره مفهوم کلی غزل ذکر می‌شود، مثلاً در غزل دوم نویسنده چنین می‌نویسد: «معنی کلی غزل، هشدار است به نفس سالک در تأنی و دقت در طی طریق و درک هر مرحله و مقام» (همان: ۴۰). این سخن، مخاطب را در درک ارتباط کلی ابیات غزل یاری می‌کند.

نویسنده با دقت و توجه خاص خود، لغات و ترکیبات و حتی حروف را معنی می‌کند. برای مثال می‌توان از این نمونه‌ها نام برد: ذکر معنی واژه «از» (همان: ۵۸)، دقت در معنی ردیف غزل (همان: ۵۸)، توجه به ابتکارات شعری

صائب (همان: ۶۲)، دقت در معنی لغات و ابیات، مانند «جنت در بسته» (همان: ۶۳) یا «سرمه خاموشی: اضافه سببی» (همان: ۶۱) و توضیح معنی ترکیبات، برای مثال در قسمتی، دلیل این که ترکیب «گرد یتیمی» را به معنای «رونق و آبداری گوهر» دانسته است، بیان می‌کند. او برای بسیاری از تعبیرات مانند «برق خانه‌سوز»، توضیح موشکافانه ارائه می‌دهد (همان: ۱۸۶). گاهی نیز دو معنی برای یک بیت ذکر می‌کند. علاوه بر آن با دقت به ابیاتی که باید به آنها توجه شود، اشاره می‌کند. همچنین از تکرار مضمون، بی‌توجه نمی‌گذرد.

از امتیازهای این شرح، اشاره به زیبایی سخن صائب و ابتکارات شعر او در ضمن کلام است، مانند: «که تیزکرده بهار از شکوفه دندان‌ها» (همان: ۶۶) و (ر.ک: همان: ۵۶ و ۶۵). از محاسن دیگر این شرح، توجه به آرایه‌های ادبی مانند تلمیح، کنایه، اضافه استعاری و اضافه تشبیهی است. نویسنده در مقدمه به جایگاه آرایه ادبی تشخیص در شعر صائب اشاره می‌کند، اما در متن به آن توجهی ندارد (ر.ک: همان: ۳۱). به احادیث و امثال هماهنگ با ابیات مورد نظر نیز اشاره کرده است.

۵-۲ درستی و نادرستی مطالب

تبخر و توجه خاص نویسنده در شرح غزلیات صائب به حدی است که جایی برای خرده‌گرفتن از مطالب آن باقی نمی‌گذارد. فصاحت بیان و تسلط او به شعر صائب چنان است که در کوتاه‌ترین کلمات، بهترین معنی را برای بیت ذکر می‌کند؛ به طوری که با وجود نیازمندی شرح شعر سبک هندی به توضیحات بسیار، او توانسته است با کوتاه‌ترین جمله‌ها به بهترین وجه، حق معنی را ادا کند (ر.ک: همان: ۶۱، غ ۱۷، ب ۵)، (همان: ۶۵، غ ۱۹، ب ۱). البته گاهی نیز در معنی لغات و ابیات، سستی کرده است، مثلاً در معنی واژه «جوهر» آورده است: «آینه‌ای است که از فلز باشد. تصویر اشیاء در این آینه شکسته و منکسر دیده می‌شود» (همان: ۱۶۶). معنی درست آن طبق شرح قهرمان و لغت‌نامه‌ها، این‌گونه است: «موج آهن و چوب و استخوان و نظایر آنهاست» (قهرمان، ۱۳۷۰: ۲۹۳). نمونه دیگر، این بیت است که در آن دقت کافی و لازم را نداشته است:

خجلت روی زمین از سنگ طفلان می‌کشم بس که از بی‌حاصلی‌ها شرمسارم همچو سرو

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۶، غ ۶۵۰۲، ب ۲۰)

در معنای این بیت آورده است: «شرمساری از بی‌حاصلی خود را به سرو مثل می‌زند که میوه ندارد و از روی زمین خجل است؛ زیرا طفلان به هوای میوه او را سنگباران می‌کنند و سنگ‌ها به زمین می‌افتد و روی آن را آزرده می‌سازد» (همان: ۳۰۴). در صورتی که برای ترکیب «خجلت روی زمین»، معنای «آن مقدار شرمساری که در روی زمین یافت می‌شود» و «خجالت بسیار» که از اصطلاحات محاوره‌ای است، صحیح‌تر به نظر می‌رسد (قهرمان، ۱۳۸۱: ۳۰۶).

۶-۲ استنادها

با توجه به اثر، نویسنده کمتر به منبع لغات، اشاره دارد. همچنین نشانی ابیات شاهد را نیز ذکر نمی‌کند. برای نوشتن این کتاب از منابع برتر در زمینه صائب و سبک هندی، بهره گرفته شده است که از آن جمله است: شعر العجم شبلی، فرهنگ اشعار صائب، ترجمه تاریخ ادبیات براون، ترجمه تاریخ ادبیات هرمان اته، تذکره نصرآبادی، تذکره آشکده آذر، زندگی شاه عباس کبیر از نصرالله فلسفی، فرهنگ دهخدا و معین، فرهنگ مصطلحات عرفا از سجادی، نگاهی به صائب از دشتی و صائب و سبک هندی از دریاگشت و موارد دیگر.

۳- گزیده اشعار صائب تبریزی از جعفر شعار و زین العابدین مؤتمن (۱۳۶۹)

۱-۳- موقعیت علمی و اعتبار نویسندگان

۱-۳-۱ جعفر شعار (۱۳۸۰-۱۳۰۴): او پژوهشگر ادبی، مصحح و مترجم ایرانی است. شش سال عضویت در سازمان لغتنامه دهخدا، تدریس در دانشگاه تربیت معلّم و دانشگاه تهران، همکاری با مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی از فعالیت‌های ارزنده اوست (ر.ک: شعار، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۷).

۱-۳-۲ زین العابدین مؤتمن (۱۳۸۴-۱۲۹۳): او نویسنده چیره‌دست و محقق اندیشمندی بود. در اثر مطالعات و تحقیقات بسیار، فرد باتجربه و صاحب‌نظری شد. مجموعه‌ای از گزیده‌های شعر صائب را به نام *گوهرهای راز از دریای اندیشه صائب* منتشر کرد. او از افراد معدودی بود که صائب تبریزی را پس از مدت‌ها فراموشی دوباره به شکل یک شاعر ممتاز مطرح کرد. او معتقد بود که زمان صفویه، دوران انحطاط ادبیات فارسی نیست و حتی غیر ممکن است که ادبیات در عهد صفویه، عصر شکوه و پرورش هنر، از بین رفته باشد. علاقه او به صائب به تألیف کتاب‌های گلچین صائب و *گوهرهای راز از دریای اندیشه صائب* انجامید (کمالی‌پور، ۱۳۹۲: ۲).

۲-۳- بخش یادداشت‌ها و مقدمه

نگارندگان در بخش یادداشت‌ها در حد مختصری درباره ادبیات سخن گفته‌اند و سپس اهداف کتاب را بیان کرده‌اند. آنها یکی از اهداف این اثر را یاری‌رسانی به بهبود تدریس در دانشگاه‌ها می‌دانند. نویسندگان بر این اندیشه‌اند که بهترین بخش‌های هر اثر ادبی را در قالب کتاب‌های نسبتاً کم‌حجمی همراه با شرح و تحلیل در دسترس دانشجویان و طالبان دیگر قرار دهند: «در گزیده حاضر، نه تنها معنی واژه‌ها و اصطلاحات و تعبیرهای دشوار و مهجور را جا به جا نوشته‌ایم، بلکه ابیات دشوار را نیز معنی کرده و نکته‌های دستوری را هم تا آنجا که به فهم یاری می‌رساند، توضیح داده‌ایم» (شعار و مؤتمن، ۱۳۷۰: ۱۰).

مقدمه کتاب از حسن انوری است که نظرات دقیق و سودمندی را بیان کرده است. این مقدمه مشتمل بر این مطالب است: اطلاعات کلی و عمومی درباره صائب، عصر صائب و نظرات موافق و مخالف نسبت به صائب، سبک هندی، مضمون و معنی بیگانه و عرفان صائب و ...

۳-۳- شیوه پردازش محتوا و جامع‌نگری متن

شارحان در این اثر، صد و نود غزل از صائب و تعداد اندکی قصیده و بیت‌های گزیده را شرح کرده‌اند. مطالب این کتاب در حد اطلاعات عمومی است که یک مخاطب عام یا یک دانشجوی کارشناسی به آن نیاز دارد. نویسندگان نیز در مقدمه به این موضوع اشاره داشته‌اند. علاوه بر آن به این نکته نیز معترفند که همه دشواری‌ها را حل نکرده‌اند و حتی گاهی حدس خود را با تردید بیان کرده‌اند.

نویسندگان در بسیاری از غزل‌ها، بیش از یک یا دو بیت را معنی نمی‌کنند و ابیات را با جزئیات غیر ضروری و یا با اشاره توضیح می‌دهند، مثلاً در غزل ۳۵ و همچنین غزل‌های ۵۰، ۵۱ و ۶۰، فقط معنی چند کلمه از بیت ذکر شده است و دیگر هیچ بیتی معنی نشده است. گاهی نیز شرح بیتی لازم است، اما ارائه نمی‌شود، مانند «خرقه تزویر از باد غرور آبتن است» (شعار و مؤتمن، ۱۳۷۰: ۱۰۶). در غزل شماره ۸۹ فقط معنی سه کلمه ساده آمده است که مخاطب مبتدی نیز به آن آگاه است، مانند «اجابت: اجابت دعا» (همان: ۱۲۷). در این نمونه‌ها، توضیحات ساده‌ای ذکر می‌شود که گاهی به

حشوگویی شباهت می‌یابد؛ توضیحات بسیار بدیهی و ساده که ضرورتی برای بیان آن نیست، مانند: «چون: مانند، همچون» (همان: ۱۵۹). بیت‌هایی که به شرح نیاز دارند با یک توضیح ساده و بدون توجه و تأکید بر معنی شایسته تأمل، رها شده‌اند (همان: ۱۰۸). توضیحات، بسیار بدیهی و واضح است و بیشتر ابیات به توضیح فراتر از این حد نیازمند است.

به طور کلی، شارحان در این کتاب به نکاتی توجه کرده‌اند که شرح آنها ضرورت زیادی ندارد و در مقابل از شرح و بیان ضروری معنای ابیات دوری کرده‌اند. با وجود کوشش بسیار شارحان، معنای دقیق و مناسبی برای لغات، ترکیبات و ابیات در نمونه‌های بسیاری، ذکر نشده است. همچنین ابیات، عموماً بدون تحلیل با گرایش به اختصار، ابهام‌گرایی و کلی‌نویسی، شرح و تفسیر شده است.

از محاسن کتاب، ذکر شاهد و مثال برای بعضی ابیات است که گاهی برای مضمون ضد آن نیز مثال آورده شده است. نویسندگان برای بعضی واژه‌ها توضیحات مفیدی ارائه کرده‌اند، مانند «رند»، «وسعت مشرب»، «خرابات مغان» و «شیشه ساعت». علاوه بر آن، بیشتر لغات عرفانی را نیز شرح و معنی کرده‌اند. همچنین از ویژگی‌های دیگر مفید این شرح، توضیح مناسب و مفید برای بعضی تلمیحات و ذکر آیات متناسب با ابیات است (ر.ک: همان: ۱۱۸ و ۱۲۰).

در زمینه آرایه‌های ادبی به مراعات نظیر، تشبیه و گاهی استعاره توجه بیشتری دارند. از تمایزات این کتاب، علاوه بر شرح پنج قصیده از قصاید صائب، شرح تک‌بیت‌هایی از شاعر با اشتراک موضوعاتی مانند خداشناسی، عرفان و عشق است. این شرح، بخشی به نام بازیافت و تصحیح دارد که توضیحات آن نسبت به توضیحات کتاب، مفیدتر است. بی‌توجهی به مفهوم کلی هر غزل، غیر تحلیلی بودن شرح، نادیده گرفتن لطایف و زیبایی‌های شعر صائب، شاهد و مثال و واژه‌های کلیدی در شعر صائب از معایب انکارنشده این شرح شمرده می‌شود.

۴-۳ شیوه نگارش

ستاره‌دارکردن ابیاتی که معنا شده‌اند از کارهای اثرگذار در ظاهر متن و مفید برای مخاطب است. نویسندگان رسم الخط کتاب را به تفصیل توضیح داده‌اند و گفته‌اند که به کتاب فرهنگ/ملائی اثر جعفر شعار نظر داشته‌اند. بخش نشانه‌ها و اختصارها در آخر کتاب نیز از قسمت‌های مهم این شرح است.

۵-۳ درستی و نادرستی مطالب

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، نویسندگان، بسیاری از ابیات دشوار و نیازمند شرح را رها کرده‌اند. به همین سبب سخن‌چندانی درباره درستی و نادرستی مطالب، به‌ویژه درباره اشعار دشوار، نمی‌توان ارائه کرد؛ اما درباره معنی بعضی از کلمات، دقت و تیزی نگرانندگان، شایسته تقدیر و توجه است، مانند معنی واژه «وسعت مشرب: آزادی و آسان‌گیری در مسلک و آیین و دوری از تعصب مذهبی و زهد ریایی» (همان: ۷۵) که بهترین معنی با توجه به اندیشه و مسلک شاعر در اشعارش، بیان شده است. همچنین نمونه‌های بسیار دیگری را می‌توان یافت که این دقت و موشکافی را آشکار می‌کند: «سبزه تیغ» (همان: ۱۴۹، غ ۱۲، ب ۲) و «غنچه‌نشستن» (همان: ۱۰۲، غ ۴۹، ب ۱۱). اما گاهی در این زمینه نیز کم‌دقتی و بی‌توجهی دیده می‌شود، مثلاً این بیت:

بیشتر گردید سودای من از تدبیر عقل چوب گل شد تخته مشق جنون دیوانه را

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۱، غ ۲۲۷، ب ۱۱)

در توضیح آن می‌نویسند: «چوب گل: شاخ گل، صائب اغلب در معنی چوب تنبیه به کار برده است» و بیت را چنین معنا می‌کنند: «دیوانه چوب تنبیه را تخته مشق قرار داد، رنج و مشقت را برگزید و تدبیر عقل را به یکسو نهاد» (همان:

۸۷). در صورتی که با توجه به تناسب سودا، دیوانگی، جنون و تدبیر عقل، شاخ گل را می‌توان به معنای رفع‌کننده سودا نیز به کار برد؛ چنان که در *بهار عجم* ذیل چوب گل آمده است: «شاخ گل، گویند سودا را نافع بود» (بهار: ۱۳۸۰). بهتر بود بیت، این گونه معنی می‌شد: با به‌کارگیری تدابیر عقل، سودا و دیوانگی من فزونی گرفت. همان طور که در اثر چوب گل که برای سودا نافع است و همچنین برای تنبیه به کار می‌رود، نه تنها جنون من دیوانه رفع نشد، بلکه چون تخته مشقی برای جنون من شد و بر دیوانگی‌ام افزود.

همچنین در غزل ۵۳ ذیل بیت ۵ آمده است:

گل برای ما عبث خود را بر آتش می‌زند چاره درد سر ما از گلاب دیگر است

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۲، غ ۹۸۵، ب ۵)

علاوه بر نکات مناسب و لازمی که شارحان بیان کرده‌اند، می‌توان اضافه کرد که شاعر به گذاشتن گل در کوره آتش برای به‌دست‌آوردن گلاب نیز اشاره دارد. همچنین به سرخ‌رنگی و شکوفایی و جلوه گل نیز می‌تواند نظری داشته باشد که نویسندگان به این موارد توجهی نکرده‌اند.

۳-۶ بخش دیدگاه‌ها و استنادها

از ویژگی‌های دیگر ممتاز این کتاب، فصلی در بیان دیدگاه‌ها درباره شعر صائب است که در آن از تذکره‌های بسیاری مانند *تذکره نصرآبادی*، *تذکره مرآت النخیال*، *تذکره خیر البیان* و *تذکره مآثر الکلام* استفاده شده است. همچنین در این بخش، نکات مهم بسیاری از نویسندگان و کتاب‌هایی آمده است که درباره صائب نظری داده‌اند. این نکات برای تحقیق و تفحص بسیار مفید و کارگشاست. داشتن واژه‌نامه، کتاب‌نامه و فهرست نیز از مزایای دیگر این کتاب است.

۴- مجموعه رنگین گل از محمد قهرمان (گزیده اشعار صائب) (۱۳۷۱)

۴-۱ شخصیت و موقعیت علمی پدیدآورنده

محمد قهرمان (۱۳۰۸-۱۳۹۲) پژوهشگر، مصحح و شاعر برجسته خراسانی است. او از علاقه‌مندان سبک هندی و همچنین یکی از شرعای بنام غزل‌سرای هندی است. در رونق‌بخشی به سبک هندی و اشعار صائب، نقش ارزنده و درخور توجهی دارد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۲)، (کاخی، ۱۳۹۲).

۴-۲ مقدمه

این کتاب، صد و هشتاد غزل و تعدادی ابیات برگزیده از صائب را شرح کرده است و مقدمه بسیار کوتاهی درباره زندگی صائب و مختصری درباره سبک شعری او دارد. نویسنده در این مقدمه، اطلاق عنوان «هندی» را به سبک شعر دوره صفوی اشتباه می‌داند. همچنین اطلاق «سبک اصفهانی» را به این سبک شعری نمی‌پذیرد؛ زیرا سبک عراقی خطه اصفهان را نیز دربرمی‌گرفته است.

نویسنده برای صائب، ارزش ویژه‌ای در نظر می‌گیرد؛ به گونه‌ای که می‌گوید: «در همین جا باید افزود که حساب او از سایر گویندگان این شیوه جداست. او همچون خواجه حافظ از تمام محسنات شرعای معاصر و یا نزدیک به عهد خود بهره گرفته و به کمک قریحه و نبوغ خدادادی، سبکی خاص خویش پدید آورده است» (همان: ۹-۸). علاوه بر آن از عیوب شعر صائب نیز غافل نیست و به این عیوب و نارسایی‌ها اشاره می‌کند، مانند کاستی‌هایی که از زبان روز به شعر صائب راه یافته است یا مسامحات دستوری و همچنین تکرار قافیه که شاعر نسبت به آن حساس نیست و به آن

اهمیتی نمی‌دهد (ر.ک: همان: ۱۱). از نظر نگارندگان این مقاله، تکرار قافیه نه تنها از عیوب شعر صائب نیست، بلکه از محاسن آن است؛ زیرا در واقع صائب می‌خواهد به مخاطب این نکته را بفهماند که با قافیه‌های تکراری نیز می‌تواند، زیباترین و بدیع‌ترین مضمون‌ها را بیافریند و با وجود تکرار قافیه، غزل را تکراری و یکنواخت نسازد.

۳-۴ شیوه نگارش

نویسنده در این کتاب از جمله‌های کوتاه، موجز و بلیغ استفاده می‌کند. به طور کلی، فشردگی و موجزی، ویژگی مهم این کتاب است؛ اما با توجه به گستردگی مفاهیم و مضامین در ابیات سبک هندی و پیچیدگی و ابهام آن در دریافت زیبایی‌ها و رفع دشواری‌ها، تفصیل و بحث و بررسی بسیار درباره ابیات ضروری به نظر می‌رسد که نویسنده در این زمینه کوتاهی کرده است. همچنین بهتر بود که نویسنده، واژه‌های مربوط به بیت را در گیومه قرار می‌داد تا با متن تداخل نیابد. دیگر آنکه قلم کوچک و ریز، برجسته‌نکردن لغات و یکنواختی قلم در بخش توضیحات از معایب این شرح به شمار می‌رود.

۴-۴ شیوه پردازش و جامع‌نگری متن

توضیحات این کتاب، مختصر است و به تفصیل بیشتری نیاز دارد. نویسنده بیشتر آرایه‌های ادبی را بیان کرده است. البته این توضیحات، دقت و موشکافی نویسنده را در تشبیه و تمثیل‌های شعر صائب نشان می‌دهد (ر.ک: ۲۹۲: شرح بیت ۴۶۷ یا ۴۹۱).

بخش تلمیحات این اثر، بسیار خلاصه و کوتاه است و به کتاب فرهنگ تلمیحات ارجاع داده شده است. نویسنده همچنین به غزلیاتی اشاره کرده است که صائب در استقبال از اشعار شاعران دیگر سروده است. او با شیوه اشاره، ابیات را شرح می‌کند. این اشارات اگرچه بسیار سودمند است، اما کافی و کامل نیست. ابیات مشابه و شاهد و مثال در این شرح، به‌ندرت به کار رفته است. همچنین مطلع غزل‌های مشابه با مطلع شاعران دیگر نیز بیان شده است. نویسنده شرح را تا حد ممکن، موجز کرده است. تحلیلی نبودن و بیان‌نکردن ظرایف و دقایق شعر صائب از معایب آشکار این شرح است.

در حوزه آرایه‌های ادبی، مواردی مانند معادله، تشبیه، تضاد، ایهام، تناسب، کنایه، تلمیح، غلو و اغراق را ذکر کرده است. نویسنده این آرایه‌ها را درون پراکنش قرار می‌دهد و در این زمینه نسبت به شرح‌های دیگر ممتاز است، به‌ویژه در زمینه ایهام، توجه و دقت زیاد نویسنده مشاهده می‌شود. از سوی دیگر می‌توان دریافت که فکر نویسنده با نزدیکی به ذهن موشکاف صائب در کشف لایه‌های پنهان معنایی ترکیبات و ابیات، موفق بوده است و مخاطب را به سمت فهم بهتر متن راهنمایی می‌کند. با وجود این، هنوز هم ابهام بسیاری در شعر صائب وجود دارد که در این شرح به آن توجهی نشده است. محدودشدن این شرح به حل مشکلات واژگانی و بی‌توجهی به تحلیل واژه‌ها و ترکیبات مهم از نواقص دیگر این شرح است.

ذکر فهرست لغات دشوار غزل‌هایی که شرح شده است، همراه با معنی آنها در آخر کتاب از ویژگی‌های ممتاز این کتاب است و آشنایی، تحقیق درازمدت و قدرت نویسنده را در درک سبک هندی و شعر صائب نشان می‌دهد.

۵-۴ درستی و نادرستی مطالب

در قسمت‌های مختلف این شرح، دقت بی‌نظیر نویسنده در شرح ابیات و واکاوی جزئی‌ترین ظرایف و زیباترین لطایف شعر صائب به‌روشنی مشاهده می‌شود و این در بسیاری از صفحات آشکار است (ر.ک: همان: ۲۸۸، / ب ۲۵۶، ۲۹۱، / ب ۴۱۱، ۲۹۳، / ب ۵۴۹).

این کتاب از نظر دقت در معنی ابیات به‌ویژه اشاره دقیق به ابیاتی که به توضیح نیازمند است، بهترین شرح است. هر چند شرح ابیات به تفصیل بیان نشده است، اما با همان ایجاز و فشردگی نیز به بهترین وجه به دقایق و دشواری‌های شعر صائب نظر داشته است و توانسته است مخاطب را برای رفع مشکلات و دشواری‌های شعر صائب یاری کند.

۵- اصغر برزی، *شعله آواز* (۱۳۸۴)

۱-۵ موقعیت و آثار نویسنده

اصغر برزی: از زندگینامه این نویسنده، اطلاعاتی در دست نیست، اما مقاله‌های ذیل را از او می‌توان نام برد: «نامجویی در شاهنامه» (۱۳۸۹) و «محتوا و ساختار در تذکره الاولیای عطار» (۱۳۹۰). همچنین شرح کامل *منطق الطیر عطار* و ترجمه قرآن حکیم و نکات نحوی آن (۱۳۷۴) از کتاب‌های اوست.

۲-۵ مقدمه کتاب

این کتاب، شرح صد غزل صائب است. داشتن فهرست مطالب، ویژگی بسیار مفید این شرح است. عنوان پیشگفتار آن «سایه عنایت» و موضوع آن راز و نیاز و نیایش به درگاه خداوند است. گفتنی است که پیشگفتار، بیشتر به قطعه ادبی همانند است. مقدمه این کتاب از ویژگی‌های مفید دیگر آن است که نویسنده در آن از منابع بسیاری درباره صائب از گذشته و معاصر، بهره برده است، از آن جمله به این آثار می‌توان اشاره کرد: *تذکره حزین، آتشکده آذر، تاریخ ادبیات ادوارد براون* و همچنین مطالبی از استاد امیری فیروزکوهی. در مقدمه، پیشنهاد جالبی مطرح می‌شود و آن ایجاد مرکز صائب‌شناسی است. علاوه بر این، در آن نام صائب‌شناسان برتر مانند محمدعلی تربیت، امیری فیروزکوهی و حیدرعلی کمالی ذکر شده است. نگارنده از رضاقلی خان هدایت، آذر بیگدلی، ادوارد براون، امیری فیروزکوهی، زین‌العابدین مؤتمن و از کتاب *گهرهای راز* و غیره نقل قول‌های مفید و سودمندی ذکر می‌کند. اما ویژگی‌های شعر صائب که در مقدمه بیان می‌شود، بیشتر نکات بدیهی و روشنی مانند ایجاز، تکرار، زبان کوچه و بازار و معادله است.

۳-۵ شیوه نگارش

از اشکالات متن این شرح، یک‌دست‌نبودن سخن است، به طوری که نویسنده گاهی به شیوه مقاله‌نویسی و گاهی به روش متن ادبی، سخن می‌گوید. نثر و نگارش نویسنده چندان استوار و علمی نیست. شیوه کلام او هنگامی که درباره روش کار خود، شعر صائب و سبک هندی سخن می‌گوید، مانند یک قطعه ادبی است که به شعر نزدیک می‌شود، مانند: «یک قرن و نیم عروس شعر صائب در پرده تعصب‌های تیره مانده و بالاخره ماه هنرش از پشت ابرهای مخالفت، چهره نمایان کرده است» (برزی، ۱۳۸۴: ۶) و «آهوی قلم شاعر در بوستان شعر و ادب، نافه‌گشایی می‌کند و مشام جان عاشقان و شعر دوستان را عطرآمیز و مشک‌آلود می‌گرداند» (همان: ۱۵). با توجه به محتوای کتاب که شرح و بررسی ابیات صائب است و مخاطب به اطلاعات دقیقی در این زمینه نیازمند است، بهتر بود که متن به جای نگارش به شیوه متن و قطعه ادبی به شیوه مقاله‌نویسی و با زبان ساده‌تر و علمی‌تری نوشته می‌شد. از معایب دیگر این شرح، رعایت نکردن فاصله مناسب میان خطوط است که به پریشانی و آشفتگی صفحه‌ها انجامیده است.

۴-۵ استنادها

نویسنده در متن کتاب به لغت‌نامه‌هایی که استفاده کرده است، اشاره‌ای نمی‌کند، اما منابع مهم را مانند فرهنگ معین و

فرهنگ اشعار صائب در مقدمه ذکر و آنها را معرفی کرده است. مشخصات مراجع، فهرست آیات، اماکن، کلمات شرح شده، اعلام و متون از مطالب بسیار مفید این کتاب است که نویسنده آن را در نظر داشته است.

۵-۵ شیوه پردازش محتوا و جامع‌نگری متن

غزل‌های منتخب به صورت کامل و بدون رهاکردن بیت یا ابیاتی ذکر شده است. آوردن نشانی کامل غزل در دیوان صائب همراه با ذکر وزن و بحر آن و شرح غزل بر اساس شماره ابیات از محاسن این شرح است. نویسنده برای هر بیت، توضیحات مفصل و کافی ارائه می‌دهد. همچنین اصطلاحات عرفانی را با استفاده از منابع مهم عرفانی مانند رساله تفسیریه، نفائس الفنون، شرح گلشن راز و کشف‌المحجوب هجویری تفسیر می‌کند. از سوی دیگر، غزل‌های منتخب او بیشتر درونمایه عرفانی دارد؛ یعنی مفاهیم عرفانی این غزل‌ها بیشتر است و یا غزل کاملاً بر اساس عرفان است. از این رو مراجعه به متون عرفانی در این شرح، ضروری به نظر می‌رسد. در بیان معنی ترکیبات و لغات نیز دقت و موشکافی ویژه‌ای داشته است.

حسن دیگر کتاب، ذکر وزن هر غزل، توجه به اوزان شعر صائب و مقایسه آن با اوزان غزلیات شمس است. نویسنده همچنین درباره وزن و ردیف در شعر صائب سخن گفته است که از ویژگی‌های دیگر تحسین برانگیز این شرح به شمار می‌رود، چون در شرح‌های دیگر به این مبحث توجهی نشده است.

در زمینه روش انتخاب غزل‌ها می‌توان گفت که اگرچه نویسنده، غزل‌های زیبا و دلنشینی را مانند غزل ۷۷ با مطلع «خنده کردی در گلستان، تازه شد ایمان گل» برگزیده است، اما در این نوع غزل‌ها کمتر می‌توان نکات پیچیده و مهم را یافت. بهتر بود که نویسنده غزلیاتی را برگزیند که ضرورت و لزوم شرح آنها بیش از چنین غزل‌هایی است. در واقع هدف نویسنده، ذکر تعدادی از غزل‌های زیبای صائب بوده است نه آوردن غزل‌های بحث‌برانگیز و نیازمند شرح. متأسفانه برخلاف شرح کریمی و معدن‌کن، نویسنده از مضمون کلی غزل یا مفهوم کلی بیت، اطلاعی ارائه نمی‌دهد، اما در ضمن شرح به ویژگی‌های سبک هندی اشاره می‌کند که از امتیازات این شرح است (ر.ک: همان: ۳۰۶).

در بررسی آرایه‌ها، بیشتر به تناسب و تضاد، معادله و گاهی به ذکر وابسته‌های عددی خاص، توجه دارد و از آرایه‌های ادبی دیگر غافل مانده است، مثلاً از حس آمیزی: «سخن سرد و سخن تلخ» (همان: ۲۴۰)، تشخیص: «عشوۀ خرمن گل» (همان: ۲۴۰) یا متناقض‌نما: «صحت چشم در آنست که بیمار بود» (همان: ۲۴۴) سخنی مطرح نمی‌کند. مثال‌های شعری او از دیوان صائب و دیوان حافظ است، اما در این زمینه کار نویسنده حتی در ابیاتی که از شاعران دیگر ذکر می‌کند، قوی نیست؛ زیرا این ابیات، بیشتر در پیوند با لغات درون بیت است و ارتباطی با مضمون آن ندارد. با وجود این گاهی نیز در ذکر شاهد و مثال دقت ویژه و توجه خاصی دارد؛ چنان که از حافظ و مولانا و دیگران، شاهد می‌آورد و هنرمندی صائب را در بهره‌گیری از تجارب پیشینیان، نمایان می‌کند.

۶-۵ درستی و نادرستی مطالب

دقت و توجه نویسنده و استفاده از منابعی مثل فرهنگ اشعار صائب باعث شده است که این شرح تا حدی به درستی و دقت انجام شود. علاوه بر آن، ابیات دشوار زیادی در این گزیده وجود ندارد، اما در همان دشواری‌های موجود نیز نویسنده سعی کرده است آن را به‌خوبی با شیوه نیکو و مفصلی شرح و معنا کند. گاهی نیز در شرح ابیات بی‌توجهی شده است، مثلاً:

معاشران همه در پای خم ز دست شدند / منم که بر سر خود دست چون سبو دارم
(صائب، ۱۳۷۱: ج ۵، غ ۵۷۴۲، ب ۲)

نویسنده این بیت را چنین معنا کرده است: «همه رفیقان و دوستان در پای خم از شدت سرمستی بی‌قرار و بی‌خود افتادند. تنها من هستم که دستم را مانند دسته کوزه سفالین بر سر خود گرفته و از حیرت، مستی و بیهوشی مثل سبو دست بر سر دارم» (برزی، ۱۳۸۴: ۳۲۴). چنان که مشاهده می‌شود ترکیب «دست‌داشتن» را اشتباه معنی کرده است؛ زیرا صائب آن را در معنای کنایه «مسلط‌بودن بر خود» و نه معنای ظاهری آن به کار برده است. این ترکیب در لغتنامه دهخدا نیز به معنای «توانابودن در چیزی» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل دست). در واقع معنای درست بیت این گونه است: همه دوستان و رفیقان در پای خم، اختیار خود را از دست دادند و من مانند سبو که دست بر سر خود دارد، بر خود مسلط هستم و هنوز مدهوش و از خود بی‌خود نشده‌ام. مفهوم کلی می‌تواند کنایه از بی‌نصیبی از عیش و عشرت هم باشد. یا بیت ذیل:

در غریبی قطره من آب گوهر می‌شود / آب دریا می‌که تلخی در وطن باشد مرا
(صائب، ۱۳۷۱: ج ۱، غ ۱۴۰)

نویسنده آن را چنین معنا کرده است: «در غربت، وجود من بهای گوهر آبدار و درخشان را پیدا می‌کند. من مثل آب دریا وقتی که در دریای وطن هستم تلخ و شورم. زمانی که به آسمان سیر می‌کنم و باران می‌شوم و به جایی دور از دریای وطن می‌ریزم، شیرین و خوشگوار و ارزشمند می‌شوم» (برزی، ۱۳۸۴: ۶۷). در صورتی که شاعر به قطره‌ای اشاره دارد که به گوهر تبدیل می‌شود و می‌گوید: در غربت، قطره وجود من به گوهر تبدیل می‌شود، اگرچه هنگام سکونت در وطن مانند آب دریا تلخ و ناگوار بودم. در واقع تأکید شاعر بر این است که وجود او در وطن بی‌ارزش و ناگوار ولی در غربت گرانبها و ارزشمند است، همانند قطره‌ای که در دهان صدف به گوهر تبدیل می‌شود. نویسنده به «سیرکردن در آسمان» اشاره کرده است که مضمون بیت با آن ارتباط و پیوندی ندارد. همچنین در بیت ذیل نیز نویسنده به تناسب «سرکه» و «تندی‌کردن» اشاره نکرده است:

ز بس که تند ز پهلوی محتسب گذرم / گمان برد که مگر سرکه در کدو دارم
(صائب، ۱۳۷۱: ج ۵، غ ۵۷۴۲، ب ۴)

نویسنده در معنای بیت آورده است: «از کنار پاسبان و داروغه با ترشرویی و تندی عبور می‌کنم که او به بوی شرابی که در کوزه شراب دارم، پی نمی‌برد، بلکه تصور می‌کند سرکه در کوزه دارم» (برزی، ۱۳۸۴: ۳۲۴). شارح در اینجا به ارتباط «تندخلقی» و «سرکه» اشاره‌ای نکرده است؛ اگرچه در معنی از آن یاد می‌کند. در ادب فارسی «سرکه ابرو و پیشانی» به معنی «ترشرویی و عبوسی» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل سرکه) آمده است و «سرکه در کدو داشتن» با «تندی‌کردن» تناسب دارد که علاوه بر معنای ظاهری به معنای کنایه آن نیز باید توجه کرد. در بیت ذیل نیز نویسنده، منظور شاعر را به درستی دریافته است:

در فلاخن می‌گذارد بیستون را تیشه‌ام / کارفرمایی اگر چون کوهکن باشد مرا
(صائب، ۱۳۷۱: ج ۱، غ ۱۴۰، ب ۵)

نویسنده معنی بیت را به این صورت آورده است: «اگر کارفرمای عاشقی مانند فرهاد کوهکن داشته باشم، آن‌گه تیشه

من کوه بیستون را دور می‌اندازد و مرا به کام می‌رساند. در صورت داشتن چنان کارفرمایی، کوه بیستون با آن عظمت در نظر من مثل سنگ، کوچک می‌نماید که بتوان آن را در فلاخن گذاشت» (برزی، ۱۳۸۴: ۶۳). معنی درست این بیت در واقع این گونه است: اگر چون کوهکن باشم و کارفرمایی چون شیرین دلربا داشته باشم، تیشه من بیستون را چنان به لرزه درمی‌آورد که بی‌قرار و بی‌تاب می‌شود و به حرکت در می‌آید؛ به طوری که گویی در فلاخن قرار گرفته است. با وجود آنکه در فرهنگ اشعار صائب نیز ترکیب «در فلاخن گذاشتن» کنایه از «دورکردن و دورانداختن» آمده است (ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۸۸)، اما در این بیت و بسیاری از ابیات مشابه، این معنی درست به نظر نمی‌رسد و گویی معنای «بی‌قرارکردن» و «به حرکت درآوردن»، صحیح‌تر است، مثل «نگین را در فلاخن می‌نهد بی‌تابی نامم». همچنین در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که «سنگ فلاخن به سرگشتگی، معروف است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ج ۲، ۹۳۵). این مفهوم با واقعیت هم تناسب دارد؛ زیرا هنگامی که سنگی را در فلاخن می‌نهند، ابتدا آن را با سرعت فراوان می‌چرخانند و سپس آن را پرتاب می‌کنند. بیت ذیل شاهدهی بر این ادعاست که در دریافت معنی دقیق بیت یاری می‌رساند:

بی‌قراری در فلاخن می‌گذارد کوه را کیست طاقت تا حریف اضطراب من شود

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۳، غ ۲۶۸۱، ب ۸)

نکته دیگر آنکه نویسنده، کارفرما را فرهاد دانسته است، در صورتی که منظور شاعر از کارفرما، شیرین و معشوقی همانند اوست و خود را به فرهاد تشبیه کرده است نه کارفرما را.

با وجود این موارد، نویسنده در بسیاری از ابیات شاعر با دقت نظر و توجه خاصی، اشعار را شرح کرده است و گاهی دو معنی را برای یک بیت ذکر می‌کند. او در نمونه‌های زیادی، وجه‌های مختلف شعر صائب را در نظر می‌گیرد (ر.ک: برزی، ۱۳۸۴: ۵۸). از این رو به نظر می‌رسد که در انتقال تجربه شاعر به مخاطب چندان موفق نیست و کار او در تفسیر متن، برای راهیابی به لایه‌های پنهان در بافت ذهنی شاعر به‌درستی انجام نشده است.

۶- نقش پای غزلان: معصومه معدن‌کن، (۱۳۸۷)

۱-۶ شخصیت علمی نویسنده و آثار او

معصومه معدن‌کن از استادان ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز است. بیشتر آثار او در زمینه خاقانی است و مقالات او با سعدی، حافظ، مولانا و باباطاهر عریان در پیوند است.

۲-۶ مقدمه

در این کتاب، نویسنده پنجاه غزل از صائب را شرح کرده است. او در مقدمه، تفاوت صائب با شاعران دیگر را به شیوه معقول‌تر و دقیق‌تری بیان می‌کند؛ زیرا از معایب شعر صائب چشم نمی‌پوشد و آن را در کنار محاسن شعرش در نظر می‌گیرد. اختصاص مبحثی به وابسته‌های عددی در سبک هندی و شعر صائب همراه با ذکر نمونه‌های آن از مطالبی است که برای شرح اشعار سبک هندی لازم است و نویسنده این را در نظر گرفته است.

۳-۶ شیوه نگارش

این کتاب از نظر نگارش و کاربرد روش‌های اثربخش در متن در مرتبه ممتازی قرار دارد؛ چنان که قراردادن واژه‌های مهم‌تر و اصلی در گیومه و برجسته‌ترکردن آنها از ویژگی‌های مفید آن است. همین‌طور جمله‌های کوتاه، استفاده به‌جا از علائم ویرایشی مانند ویرگول، نقطه‌ویرگول و نقطه از ویژگی‌های خوب و مثبت این شرح است. برجسته‌ترکردن

ابیات مشابه، لغات و معنی بیت نیز قابل توجه است. جمله‌های نویسنده، کوتاه و بدون تعقید و پیچیدگی است. او با تفکیک بخش یادداشت‌ها از بخش غزل‌ها، متن مرتب و تمیزی به مخاطب ارائه می‌دهد که علاوه بر مرتب شدن ظاهر آن، دسترسی مخاطب را به بیت مورد نظر آسان می‌کند. مثلاً نویسنده با قراردادن نکاتی در ذیل شرح با عنوان «توضیح ۱ و ۲»، هم نظم و ترتیب خاصی به متن داده است و از آشفتگی آن جلوگیری کرده است و هم آسودگی مخاطب را فراهم آورده است.

گاهی نویسنده به تعبیرات متفاوتی اشاره می‌کند که صائب برای یک لفظ و یک واژه در ابیات متعدد به کار برده است (ر.ک: معدن کن، ۱۳۸۷: ۱۳۳). همچنین در ضمن شرح، موضوعات توجه‌برانگیز شاعران عارف‌مسلک را نیز بیان می‌کند که این نیز از نکات مفید این کتاب است (ر.ک: همان: ۹۲). از نکات دیگر سودمند شرح معدن‌کن، اشاره به واژه‌های مضمون‌ساز در شعر صائب است که برای دقت و تمرکز بیشتر بر واژه به مخاطب کمک می‌کند و واکاوی و ژرف‌نگری خواننده متن در دریافت معانی ابیات را موجب می‌شود؛ زیرا از این طریق مخاطب به بافت فرهنگی - ادبی دوره شاعر و سبک هندی نزدیک می‌شود و شارح در انتقال تجربه‌های شاعر موفق‌تر عمل می‌کند. نویسنده بخشی را به نام توضیح، ذیل هر شرح قرار داده است. این بخش در بردارنده نسخه بدل متفاوت و یا ابیات مشابه است و اطلاعات مخاطب را تکمیل می‌کند.

۴-۶ جامع‌نگری متن

نویسنده در این اثر، به تفصیل تلمیحات را توضیح داده است و فقط نمونه‌های معدودی را رها کرده است. توجه او به غزل‌هایی است که شاعر در استقبال یا در تأثر از اشعار شاعران دیگر سروده است و این، حسن دیگر این کتاب است (ر.ک: همان: ۲۰۶). او همچنین با ذکر شاهد و مثال از دیوان صائب و پیشینیان او مانند حافظ و مولانا بر کیفیت شرح افزوده است.

نویسنده با اشاره کلی به محتوای بیت، روشنگری مخاطب را فراهم می‌آورد، مثلاً می‌گوید: «در توصیه بر دلجویی و توجه به زیردستان معتقد است» (همان: ۱۳۷) یا «در توصیه بر جان‌نثاری و فداکاری گوید» (همان: ۳۴). او به ارتباط کلی غزل توجهی ندارد، اما تلاش او در ارائه معنایی روشن، رسا و گویا بر ارزش و اعتبار شرح می‌افزاید.

۵-۶ درستی و نادرستی مطالب

دقت زیاد نویسنده در معنی لغات و ترکیبات، توجه به نسخه‌های بدل و گاهی ذکر دو معنی برای یک بیت، معنی کردن بیت با توجه به آرایه‌های ادبی، بیان مضمون کلی بیت قبل از معناکردن آن، تکمیل شرح با آوردن نکاتی در بخش «توضیح»، در نظر گرفتن تعبیرها و مضامینی که صائب به آنها علاقه‌مند است و اشاره به اینکه واژه‌های شعر او در ادب فارسی و سابقه عرفانی، چه نکاتی را تداعی می‌کنند، همه این موارد، مقبولیت و کاربردی بودن این شرح را موجب شده است و دانشجویان توانسته‌اند بسیاری از دشواری‌های شعر صائب را با آن رفع کنند. علاوه بر آن، جملات نویسنده نه کوتاه و موجز و نه بسیار مفصل است، بلکه به گونه‌ای است که معنی بیت روشن می‌شود و مخاطب را در ابهام و سردرگمی باقی نمی‌گذارد. اما گاهی در شرح ابیات، عیوبی نیز می‌توان دید، مثلاً بیت زیر:

گرد غم فرش است دایم در غم‌آباد وطن در غریبی نیست مکروهی به جز یاد وطن

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۶، غ ۶۰۸۴، ب ۱)

در شرح آن آمده است: «در شکوه از وطن می‌گوید: غم همچو غباری، غمکده وطن را پوشانده است. باری در غربت ناپسندتر و ملال‌آورتر از یاد وطن چیزی وجود ندارد» (همان: ۲۲۵). با تأمل می‌توان دریافت در مصراع دوم، تأکید شاعر بر این است که در غربت همه چیز روبه‌راه و بسامان است و اگر تنها غم و مکروهی وجود داشته باشد، یاد و خاطره وطن است. اما وطن سرشار از گرد و غبار غم است و با گرد غم، فرش شده است.

در بیت ذیل نیز ضبط نسخه بدل، «صنم‌خانه»، را برگزیده است، ولی «سیه‌خانه» بهتر به نظر می‌رسد:

هر سر خار در این بادیه مجنون می‌بود کعبه می‌داشت اگر حسن سیه‌خانه عشق

(صائب، ۱۳۷۱: ج ۵، غ ۵۱۸۴، ب ۶)

در شرح آن آورده است: «اگر کعبه، جمال بتکده عشق را می‌داشت، تمامی خارهای بیابان از دیدن آن جمال، مجنون می‌شدند» و ذیل آن آورده است: «نسخه بدل «صنم‌خانه» مرجح است، به دلیل تقابل با کعبه» (همان: ۱۸۴). اما با توجه به معنای «سیه‌خانه» در لغت‌نامه‌ها، ترجیح آن بر «صنم‌خانه» مناسب‌تر است. معنای «سیه‌خانه» عبارت از این است: خانه مردم چادرنشین (خلف تبریزی، ۱۳۳۵: ذیل سیه‌خانه)، خیمه صحرائشینان عرب (رامپوری، ۱۳۶۳: ذیل سیه‌خانه)، در اصطلاح کنونی سیه‌چادر گویند، چه این گروه خیمه‌های سیاه به کار برند (خلف تبریزی، ۱۳۳۵: ذیل سیه‌خانه). اگر «سیه‌خانه» ترجیح داده شود، معنای بیت این گونه می‌شود: اگرچه عشق چون خیمه صحرائشینان، حقیر و کوچک است، اما اگر کعبه زیبایی و جمال آن را داشت، هر سر خاری در بیابان مانند مجنون شیفته کعبه می‌شد. همچنین میان بادیه، سیه‌خانه و مجنون تناسب زیبایی برقرار می‌شود. علاوه بر آن ضبط بیشتر نسخه‌ها، یعنی نسخه‌های «آ، پر، پو، ق، ن و ل»، مطابق با متن است و فقط دو نسخه یعنی س و د، «صنم‌خانه» آورده‌اند. ابیات دیگر صائب مانند این دو بیت نیز نشانگر این است که مجنون رو به سیه‌خانه لیلی دارد و جایگاه لیلی یا معشوق در سیه‌خانه است. از این رو «بادیه»، «مجنون» و «سیه‌خانه» کمال تناسب را دارند و ترجیح «سیه‌خانه» بر «صنم‌خانه» کاملاً پذیرفتنی است.

صائب از تیرگی بخت سخن شکوه مکن کز سیه‌خانه گزیری نبود لیلی را

(صائب، ۱۳۷۱، ج ۱، غ ۵۵۵، ب ۷)

گرچه در دایره چشم غزالان باشد روی مجنون ز سیه‌خانه نگرده هرگز

(همان: ج ۵، غ ۴۷۸۵، ب ۴)

۶-۶ استنادها

به نظر می‌رسد که نویسنده در شرح لغات و ترکیبات، بیشتر از فرهنگ اشعار صائب بهره گرفته است، البته گاهی نیز منابع را ذکر نکرده است، مثلاً در معنی لغات و ترکیبات، اشاره‌ای به لغت‌نامه یا منبع نکرده است (ر.ک: همان: ۳۳۷). اشاره به نام کتاب‌ها در راهنما، کمک بسیار مفیدی برای مخاطب است. همین‌طور فهرست کلمات شرح‌شده، فهرست آیات، اماکن، اعلام و منابع دست اول بسیار، بر ارزشمندی این شرح می‌افزاید.

۷- نتیجه‌گیری

از میان شرح‌های موجود، برترین شرح‌ها از نظر دقت در محتوا و موشکافی در معنی لغات، شرح‌های قهرمان و کریمی است. نویسندگان این شرح‌ها با تبخّر و تخصص، اطلاعات و اندیشه‌های خود را درباره بعضی از ابیات غزل‌های صائب بیان کرده‌اند. اطلاعاتی که اگرچه گاه محدود و موجز به نظر می‌رسد، اما گره‌گشای اشعار سبک هندی به طور کلی و

شعر صائب به طور خاص است. متأسفانه این دو اثر به‌ویژه شرح کریمی در زمینه نگارش، اشکالاتی دارد و به بازنگری نیازمند است. شرح قهرمان با رعایت برخی نکات در زیباسازی ظاهر متن و مرتب‌کردن آن، بی‌تردید، بسیار مقبول‌تر است. علاوه بر این، بهتر بود که در شرح قهرمان با توجه به مهارت و دانایی نویسنده در زمینه سبک هندی و شعر صائب، ابیات با تفصیل بیشتری شرح شوند تا درک مشترکی میان نویسنده و خواننده متن ایجاد شود و فهم معانی ابیات برای مخاطب آسان‌تر شود. از ویژگی‌های بسیار مفید، سودمند و اثرگذار شرح قهرمان، ذکر واژه‌ها همراه با معنی آنها در آخر کتاب است. در این قسمت نویسنده با دقت معنی لغات را ثبت کرده است.

در زمینه آرایه‌های ادبی، این دو اثر نسبت به آثار دیگر، دقت بیشتری دارند، اگرچه ممکن است بعضی آرایه‌ها را چندان در نظر نگرفته باشند. در زمینه تلمیحات نیز شرح قهرمان، احتمالاً برای موجز شدن کتاب، آنها را فقط ارجاع داده است و کریمی نیز در این باره چندان به تفصیل سخن نگفته است. در مورد آوردن شاهد و مثال، قهرمان، این بخش را رها کرده است، ولی کریمی نمونه‌های خوبی دارد که می‌توانست بیشتر از این نیز باشد؛ به طوری که اگر این دو کتاب چنین نمونه‌هایی را لحاظ می‌کردند، اگرچه حجم کتاب افزایش می‌یافت، اما منبع بسیار مفید و موثقی برای شرح اشعار صائب در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفت.

پس از این دو کتاب، شرح معدن‌کن شایسته توجه است. این برتری هم از نظر ظاهری و نگارشی متن است که دقت نویسنده در این زمینه به متن مرتب و آراسته‌ای انجامیده است و هم در شرح بعضی از ابیات و ذکر تلمیحات و گاهی معانی اصطلاحات عرفانی است. همچنین به سبب ذکر شواهد و مثال از دیوان صائب و پیشینیان او، کتاب ستودنی و مطلوبی است.

شرح شعار و مؤتمن با وجود آنکه نویسندگان متخصصی دارد، به‌ویژه مؤتمن که در زمینه سبک هندی دانشمند است، از اطلاعات سودمند و تخصصی خالی است و بسیاری از ابیات و تعبیرات دشوار، رها شده است. بی‌توجهی به مباحث زیباشناختی شعر صائب، نادیده‌گرفتن تأثیرپذیری صائب از مضامین گذشتگان و ذکر نکردن ابیات مشابه در دیوان او از کاستی‌های دیگر این شرح است. همان‌طور که نویسندگان، خود بیان کرده‌اند، هدف کتاب، ایجاد گزیده‌ای برای دانشجویان کارشناسی بوده است، با وجود این نسبت به سطح دانش نویسندگان و همین‌طور نیاز دانشجویان به نظر می‌رسد که برای دشواری‌های ابیات صائب، اطلاعاتی بیش از این لازم بود؛ زیرا کافی دانستن توصیف و معنی واژه‌های ساده و غیرضروری، بدون ژرف‌نگری در شرح ابیات دشوار، سطحی‌نگری مخاطبان را موجب می‌شود و به آشنایی مخاطب با ذهن و اندیشه صائب نمی‌انجامد.

در مرتبه آخر، شرح برزی، معنی ابیات، تلمیحات، لغات عرفانی را مفصل بیان کرده است که این از امتیازات آن است، اما تلاش نویسنده در انتخاب غزل‌های زیبا و ساده است و این گزینش به گونه‌ای نیست که مخاطب با خواندن این شرح، دشواری‌های سبک صائب را دریابد و برطرف کند.

منابع

- ۱- احمدی دارانی، علی اکبر و رشیدی آشجردی، مرتضی. (۱۳۸۹). «مقایسه و تطبیق چهار شرح از مثنوی با آغاز دفتر سوم»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۲، ش ۴، ۴۳-۵۸.
- ۲- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۷۱). در حق صائب، صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت، تهران: قطره.

- ۳- براون، ادوارد. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
- ۴- برزی، اصغر. (۱۳۸۴). *شعله آواز (شرح یکصد غزل از دیوان صائب تبریزی)*، تبریز: اعظم.
- ۵- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۳۵-۱۳۳۰). *برهان قاطع*، مصحح: دکتر معین، چهار جلد، تهران: زوار.
- ۶- بهار، لاله تیک‌چند. (۱۳۸۰). *بهار عجم (فرهنگ لغات، ترکیبات، کنایات و امثال فارسی)* سه جلد، تصحیح دکتر کاظم دزفولیان، تهران: طلایه.
- ۷- دشتی، علی. (۱۳۵۵). *نگاهی به صائب*، تهران: امیرکبیر.
- ۸- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- ۹- رامپوری، غیاث‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *غیاث اللغات*، به کوشش دکتر منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- شبلی نعمانی، محمد. (۱۳۱۴). *شعر العجم یا ادبیات منظوم ایران*، تهران: مطبوعه مجلس.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). *شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)*، تهران: آگاه.
- ۱۲- شعار، جعفر و مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۷۰). *گزیده اشعار صائب تبریزی*، تهران: بنیاد.
- ۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *نقد ادبی*، تهران: فردوس.
- ۱۴- صائب، محمدعلی. (۱۳۷۱). *دیوان اشعار شش جلد*، به کوشش محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵- صفاء، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). *گنج سخن*، جلد سوم، تهران: ققنوس.
- ۱۶- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ساختار شرح نویسی در حوزه فهم متن ادبی»، *فنون ادبی*، دوره ۲، ش ۲، ۶۳-۸۰.
- ۱۷- فتوحی، محمود. (۱۳۷۹). *نقد خیال (نقد ادبی در سبک هندی)*، تهران: روزگار.
- ۱۸- ----- (۱۳۹۲). ۲۳ مهر، «محمد قهرمان در بازشناسی سبک هندی نقش ویژه‌ای داشت»، *خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)*، www.isna.ir.
- ۱۹- فرای، نورترپ. (۱۳۷۷). *تحلیل نقد*، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.
- ۲۰- فرخزاد، پوران. (۱۳۸۱). *کارنامه‌ی زنان کارای ایران (از دیروز تا امروز)*، تهران: قطره.
- ۲۱- قهرمان، محمد. (۱۳۷۱). *مجموعه رنگین گل (گزیده اشعار صائب تبریزی)*، تهران: سخن.
- ۲۲- کاخی، مرتضی. (۱۳۹۲). ۳۰ اردیبهشت، «دیگر این سه شنبه مکتب شعر محمد قهرمان برگزار نمی‌شود»، *فرهیختگان آنلاین*، www.fdn.ir.
- ۲۳- کریمی، امیربانو. (۱۳۶۸). *دویست و یک غزل از صائب*، تهران: زوار.
- ۲۴- کمالی‌پور. (۱۳۹۲). ۱۳ خرداد، «زین‌العابدین مؤتمن، صائب‌شناس معروف». *سایت کتابخانه تخصصی ادبیات*، www.litereturelib.com.
- ۲۵- گلچین معانی، احمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ اشعار صائب*، تهران: امیرکبیر.
- ۲۶- معدن‌کن، معصومه. (۱۳۸۷). *نقش پای غزلان (شرح پنجاه غزل از صائب تبریزی)*، تبریز: آیدین.
- ۲۷- مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۶۴). *گهرهای راز*، تهران: افشاری.
- ۲۸- نصرآبادی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۵۲). *تذکره نصرآبادی*. به اهتمام وحید دستگردی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۲۹- نیکویخت، ناصر. (۱۳۸۵). «شرح دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی»، *پژوهشنامه متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۱۴، ۷۷-۸۴.